

سینما تنها در مناسبت‌ها یا برای برخی اکران‌های خاص، رونقی موقت پیدا می‌کنند. این سناریو شاید «هرگ کامل سینما» نباشد، اما به معنای فروکاستن آن به صنعتی کم‌جان و کم‌اثر است که نه نقش اجتماعی گذشته را دارد و نه توان رقابت در عرصه جهانی.

سینمای ایران در دوراهی سرنوشت

سینمای ایران در آستانه قرن جدید در موقعیتی ایستاده است که می‌توان آن را یک «دوراهی تاریخی» نامید. راه نخست، مسیری است که با اصلاحات ساختاری، سرمایه‌گذاری هد فمند و بهره‌گیری از ظرفیت عظیم نسل تازه فیلمسازان می‌تواند به افقی روشن منتهی شود؛ افقی که در آن سینمای ایران دوباره به جایگاه واقعی‌اش در عرصه ملی و جهانی باز می‌گردد، سالن‌های سینما رونق می‌گیرند و آثار ایرانی نه تنها در جشنواره‌ها که در بازارهای جهانی نیز سهمی قابل اعتنا خواهند داشت. چنین آینده‌ای سینما را بار دیگر به آینه تمام‌نمای جامعه ایرانی بدل می‌کند؛ رسانه‌ای که هم مخاطب داخلی را جذب می‌کند و هم در مقام سفیر فرهنگی، زبان مشترکی میان ایران و جهان برقرار می‌سازد. اما در سوی دیگر، خطر بزرگی نهفته است. اگر روندهای فعلی از بحران اقتصادی و ممیزی‌های سختگیرانه گرفته تا بی‌اعتمادی مخاطب ادامه یابد، سینمای ایران به تدریج از یک صنعت زنده و جریان‌ساز به صنعتی کم‌جان و کم‌اثر فروکاسته خواهد شد. در چنین شرایطی، سالن‌های سینما بیش از پیش خالی می‌مانند، فیلم‌های سطحی و تجاری میدان‌دار می‌شوند و هنر هفتم که روزگاری آینه فرهنگ و هویت ایرانی بود، به کالایی مصرفی و فراموش‌شده در حاشیه فرهنگ عمومی بدل خواهد گشت.

این دو مسیر، در نقطه‌ای به هم می‌رسند: تصمیم‌های امروز. آینده سینمای ایران نه در آینده‌های دور، که همین حالا و در انتخاب‌های مدیران فرهنگی، سرمایه‌گذاران و حتی مخاطبان رقم می‌خورد. پرسش اصلی این است: آیا می‌توان با شجاعت و دوراندیشی، سینمای ایران را در مسیر شکوفایی دوباره قرار داد یا باید شاهد خاموش شدن چراغ سالن‌ها و از دست رفتن یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های فرهنگی کشور بود؟



سینمای ایران در سال‌های اخیر، در نقطه‌ای ایستاده که شاید بهترین توصیف برای آن «تناقضی» باشد؛ تناقضی میان درخشش جهانی و افول داخلی



مدیریت ناپایدار، بحران را تشدید می‌کند. تغییرات مکرر در سازمان سینمایی و سیاست‌های متناقضی که هر بار با روی کار آمدن مدیران جدید وضع می‌شود، عملاً امکان برنامه‌ریزی بلندمدت را از میان برده است. هیچ چشم‌انداز ده‌ساله یا حتی پنج‌ساله‌ای وجود ندارد

انیمیشن، ژانر وحشت و حتی علمی‌تخیلی، نشانه‌هایی از عطش برای تنوع و نوآوری‌اند. هرچند هنوز این تجربه‌ها خام و ناپخته‌اند، اما جرقه‌هایی هستند که اگر حمایت شوند، می‌توانند مسیر تازه‌ای در تاریخ سینمای ایران بگشایند؛ مسیری که آن را از بکتواختی و تکرار نجات می‌دهد و به عرصه‌ای وسیع‌تر و متنوع‌تر از روایت‌ها پیوند می‌زند.

آینده سینما؛ سناریوهای محتمل

آینده سینمای ایران، همچون هر صنعت فرهنگی دیگر، بیش از آنکه در فردا رقم بخورد، در گرو تصمیم‌هایی است که امروز گرفته می‌شود. آینده‌ای که بر دوش سیاست‌گذاری‌های کلان، نحوه سرمایه‌گذاری و نگاه مدیران فرهنگی سنگینی می‌کند. اگر در سناریوی خوش‌بینانه، این سیاست‌گذاری‌ها به سمت اصلاحات ساختاری و سرمایه‌گذاری هد فمند حرکت کند و به جای نگاه مقطعی و جشنواره‌ای، افقی پایدار و بلندمدت برای سینما ترسیم شود، می‌توان چشم‌اندازی روشن تصور کرد. در چنین حالتی، سالن‌های مدرن و مجهز دوباره به محلی برای تجربه جمعی تماشای فیلم بدل خواهند شد، پلتفرم‌های پر قدرت داخلی و حتی بین‌المللی میدان را در اختیار فیلمسازان متنوع می‌گذارند، و آثار جسورانه و خلاقانه هم‌زمان می‌توانند در داخل مخاطب گسترده پیدا کنند و در خارج، اعتبار فرهنگی ایران را افزایش دهند. این همان آینده‌ای است که سینمای ایران را از صنعتی بحران‌زده به «سفیر فرهنگی تمام‌عیار» ارتقا می‌دهد.

اما در نقطه مقابل، سناریوی بدبینانه‌ای وجود دارد که از دل واقعیت امروز چندان هم دور نیست؛ ادامه کودا اقتصادی و تداوم فضای محدودکننده می‌تواند کیفیت آثار را به تدریج کاهش دهد. در این وضعیت، سینمای ایران بیش از پیش در چنگ کم‌دیدی سطحی و فرمولیک گرفتار می‌شود؛ فیلم‌هایی که در کوتاه‌مدت شاید بتوانند بخشی از هزینه‌ها را جبران کنند، اما در بلندمدت به بی‌اعتمادی بیشتر مخاطب منجر می‌شوند. تجربه جمعی سینما رفتن کم‌کم جای خود را به مصرف فردی فیلم و سریال در خانه می‌دهد و سالن‌های سینما، یکی پس از دیگری، به فضاهایی نیمه‌خالی بدل می‌شوند.

میان این دو سرطیف، سناریوی میانه‌ای هم وجود دارد؛ همان چیزی که امروز کمابیش شاهد آن هستیم. چند فیلم جشنواره‌ای موفق می‌شوند پرچم ایران را در محافل جهانی بالا ببرند و تحسین منتقدان خارجی را جلب کنند، اما جریان اصلی داخلی همچنان تحت سلطه کم‌دیدی‌های پر فروش باقی می‌ماند. در این حالت، مخاطب جدیدی از پیش به پلتفرم‌های خانگی پناه می‌برد و سالن‌های

همین بلا تکلیفی، سرمایه‌گذاران و فیلمسازان را دلسرده می‌کند.

در نهایت، نمی‌توان از تأثیر محدودیت‌های بازار جهانی غافل شد. تحریم‌ها و فشارهای سیاسی، مسیر نمایش بین‌المللی را برای بسیاری از فیلم‌های ایرانی مسدود کرده و صادرات سینمای ایران را به چند نام شناخته‌شده خلاصه کرده است. این انزوا، علاوه بر آنکه امکان بازگشت سرمایه از بازار جهانی را کاهش می‌دهد، فرصت تعامل سازنده با صنعت سینمای دنیا را نیز از میان می‌برد.

فرصت‌ها و چشم‌اندازهای سینمای ایران

با وجود تمام موانع و بحران‌هایی که سینمای ایران در سال‌های اخیر پشت سر گذاشته است، نمی‌توان آن را صرفاً در قاب مشکلات و تنگناها تعریف کرد. این سینما همچنان یک سرمایه عظیم و بی‌بدیل در اختیار دارد؛ نسلی خلاق و پر تلاش از فیلمسازان جوان و مستقل که با کمترین امکانات و محدودترین بودجه‌ها توانسته‌اند آثاری جسورانه خلق کنند. حضور این آثار در جشنواره‌های جهانی، بارها نشان داده است که خون تازه‌ای در رگ‌های سینمای ایران جریان دارد؛ خون تازه‌ای که حتی در سخت‌ترین شرایط هم توانسته امید به آینده را زنده نگه دارد. اگرچه بسیاری از این فیلم‌ها در داخل کشور با محدودیت نمایش یا کمبود مخاطب مواجه شده‌اند، اما بازتاب جهانی آن‌ها ثابت می‌کند که سینمای ایران هنوز هم ظرفیت تولید صداهای تازه و متفاوت را دارد. از سوی دیگر، ظهور پلتفرم‌های آنلاین و شبکه‌های نمایش خانگی، هر چند با فراز و نشیب‌های جدی و محدودیت‌های ممیزی همراه بوده، اما به‌عنوان بازاری نوین افق‌های تازه‌ای پیش روی تولیدکنندگان گشوده است. در شرایطی که سالن‌های سینما با بحران مخاطب دست‌وپنجه نرم می‌کنند، این بستر دیجیتال امکان دیده‌شدن طیف متنوع‌تری از آثار را فراهم کرده و ارتباط مستقیم‌تری میان فیلمساز و مخاطب ایجاد کرده است. این تغییر الگوی مصرف فرهنگی، به‌ویژه در نسل جوان، فرصتی استراتژیک برای سینمای ایران است؛ فرصتی که اگر درست مدیریت شود، می‌تواند بخشی از بحران گیشه را جبران کند و راه تازه‌ای برای حیات سینما در دوران پس از سالن‌های سنتی بگشاید.

در کنار این تحولات، یکی از امیدبخش‌ترین نشانه‌ها، تغییر تدریجی در سلیقه و حسارت نسل جدید فیلمسازان است. این نسل به دنبال شکستن مرزهای بسته ژانری سینمای ایران است؛ سینمایی که سال‌ها عمدتاً میان دو قطب کم‌دیدی‌های تجاری و درام‌های اجتماعی در نوسان بوده است. تجربه‌های پراکنده اما ارزشمند در حوزه

